

فصل نهم _ مجازاتهای جایگزین حبس

ماده ۶۴- مجازاتهای جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء میشود.

تبصره- دادگاه در ضمن حکم، به سنجیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح میکند. دادگاه نمیتواند به بیش از دو نوع از مجازاتهای جایگزین حکم دهد.

نکات:

۱- مجازات های جایگزین حبس عبارتند از:

۱. **دوره مراقبت:** دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجراء احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق

مراقبتی محکوم می‌گردد. (ماده ی ۸۲ ق م ا)

۲. **خدمات عمومی رایگان:** خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که **با رضایت محکوم**

برای مدت معین مورد حکم واقع و تحت نظارت قاضی اجراء احکام اجراء می‌گردد. (ماده

۸۳ ق م ا)

۳. **جزای نقدی روزانه:** جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد

روزانه محکوم که مورد حکم واقع و با نظارت اجراء احکام وصول می‌شود. (ماده ۸۴ ق

م ا)

۴. **جزای نقدی:** (ماده ۸۵ ق م ا)

۵. **محرومیت از حقوق اجتماعی:** (ماده ۸۶ ق م ا)

۲- شرایط اعمال مجازات های جایگزین حبس:

۱- گذشت شاکی ۲- وجود جهات تخفیف ۳- ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن و آثار ناشی از جرم ۴- سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه ی مجرم ۵- وضعیت بزه دیده ۶- سایر اوضاع و احوال (دادگاه مکلف به تصریح تناسب مجازات مورد حکم با شرایط مذکور است).

۳- دادگاه نمی تواند به بیش از **دو نوع** از مجازات های جایگزین حکم دهد.

۴- با توجه به ذیل ماده مجازات های جایگزین حبس در راستای **اصل فردی کردن مجازات ها** تدوین شده اند.

ماده ۶۵- مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.

۱- در یک تقسیم بندی مجازات ها به **مجازات قانونی و قضایی** تقسیم می شوند: مجازات قانونی آن است که در متن قوانین تصریح شده است اما مجازات قضایی آن است که قاضی دادگاه با توجه به جرم ارتكابی، اعمال تخفیف و تشدید و بر مبنای اصل فردی کردن مجازات ها بدان حکم می دهد. بنابراین در خصوص مجازات های قضایی این امکان وجود دارد که دادگاه با استفاده از اعمال تخفیف به **کمتر** از حداقل مقرر در قانون حکم دهد.

۲- در همه جای فصل نهم معیار اعمال مجازات های جایگزین حبس، **مجازات قانونی** است. (نه مجازات قضایی)

۳- مرتکبان جرایم عمدی که با مجازات **حبس درجه هشت** (حداکثر مجازات قانونی سه ماه حبس) مواجه اند، مجازاتشان **لزوما** مجازات جایگزین حبس خواهد بود.

ماده ۶۶- مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند

و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه

۱- مرتکبان جرایم عمدی که با مجازات **حبس درجه هفت** (حداکثر مجازات قانونی نود و یک روز تا شش ماه حبس) مواجه اند، مجازاتشان **لزوما** مجازات جایگزین حبس خواهد بود مگر اینکه: ۱- به دلیل ارتکاب **جرم عمدی** دارای سابقه ی محکومیت کیفری به شرح مندرج در بندهای الف و ب ماده باشند. ۲- از اجرای حکم (نه صدور حکم) پنج سال نگذشته باشد. -به ب ۲- **به بیش از یک فقره** و **یک فقره** در بندهای الف و ب توجه داشته باشید.

۳- پرداخت **یک پنجم دیه** مشمول ماده نیست.

ماده ۶۷- دادگاه می تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یکسال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازاتهای جایگزین حبس ممنوع است.

۱- در مورد مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است دادگاه در اعمال مجازات جایگزین حبس **مختار** است.

۲- به طریق اولی وجود شرایط ماده ۶۶ در این ماده هم **مانع** اعمال مجازات جایگزین حبس خواهد شد.

ماده ۶۸- مرتکبان جرائم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است.

۱- اصولاً مرتکبان جرایم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند و استثنائاً در موردی که مجازات قانونی جرم ارتكابی **بیش از دو سال حبس** باشد دادگاه در اعمال مجازات جایگزین حبس **مختار** است: به طور مثال اگر مجازات قانونی جرم غیر عمدی سه سال حبس باشد دادگاه در اعمال مجازات جایگزین حبس مختار است.

ماده ۶۹- مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.

۱- این ماده نیز از مواردی است که اعمال مجازات جایگزین **الزامی** است.

۲- در نگاه نخست، ماده فوق **بر خلاف** اصل قانونی بودن مجازات ها تدوین شده است، چرا که مقنن موظف است به موازات جرم انگاری، مجازات آن را هم معین کند. در هر حال اعمال این ماده در قلمرو **اصل ۱۶۷ قانون اساسی** خواهد بود.

ماده ۷۰- دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجراء شود.

۱- دادگاه هنگام صدور حکم مجازات جایگزین حبس به **دو مورد** باید تصریح نماید:

۱- تعیین مجازات جایگزین حبس

۲- مدت مجازات حبس جرم ارتكابی

۲- علت تعیین مدت مجازات حبس جرم ارتكابی ضمن تعیین مجازات جایگزین حبس می تواند یکی از موارد زیر باشد:

۱- **تعذر مرتکب** از اجرای مجازات جایگزین حبس

۲- **تخلف** از دستور دادگاه

۳- **عجز** از پرداخت جزای نقدی

ماده ۷۱- اعمال مجازاتهای جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.

۱- یکی از موارد **ممنوعیت** اعمال جایگزین حبس، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی است. (اعم از عمدی و غیر عمدی و بدون محدودیت مدت زمان حبس)

۲- جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی **مصادیق متعددی** می تواند داشته باشد که از جمله عبارتند از: افساد فی الارض، بغی، محاربه و جرایم موضوع مواد ۴۹۸ ق م ا به بعد (کتاب تعزیرات و مجازات های بازدارنده)

ماده ۷۲- تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

۱- تعدد جرایم عمدی در صورتی مانع صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد. در نتیجه: تعدد جرایم عمدی **به طور مطلق** مانع صدور حکم به مجازات جایگزین حبس **نیست**.

ماده ۷۳- در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.

۱- از موارد **ممنوعیت** اعمال مجازات جایگزین حبس می باشد.

۲- همانطور که قبلا گفته شد معیار اعمال مجازات جایگزین حبس مجازات قانونی است، در نتیجه با توجه به این ماده اگرچه مجازات قضایی کمتر از یک سال است، دادگاه **نمی تواند** حکم به مجازات جایگزین حبس بدهد.

ماده ۷۴- مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم الاجراء شدن این قانون صادر شده است اجراء نمی شود.

۱- ماده فوق اشاره به عطف به ما سبق نشدن مقررات مجازات های جایگزین حبس دارد، البته مشروط به آنکه مرحله تجدیدنظر را طی کرده و قطعیت یافته باشند. بنابراین حکم مقرر در این ماده شامل احکامی که در زمان لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مرحله تجدیدنظر را طی نکرده اند، نخواهد شد. همچنین باید دقت نمود که بر اساس ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی، اعمال مقررات مجازات های جایگزین حبس منوط به تصویب آیین نامه ای شده است و به محض لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی، مقررات این فصل مجری نخواهد بود.

ماده ۷۵- همراه بودن سایر مجازاتها با مجازات حبس، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست. در این صورت دادگاه می تواند به مجازاتهای مذکور همزمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد.

۱- همراه بودن سایر مجازات ها با مجازات حبس، از موارد ممنوعیت اعمال مجازات جایگزین حبس نیست.

ماده ۷۶- ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتكابی است.

۱- با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی، قانونی ماهوی است؛ با این حال مقرر ای شکلی که مربوط به صلاحیت محاکم می باشد، در آن قید شده است.

۲- در این ماده نیز باید به تفکیک مجازات قانونی و قضایی دقت نمود.

۳- با توجه به این ماده برای تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، باید به مجازات قانونی (نه قضایی) جرم ارتكابی توجه نمود و اگر به

عنوان مثال مجازات قانونی حبس تعیین شده برای جرم قابل تجدیدنظر باشد، به تبع آن صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیز قابل تجدیدنظر است.

ماده ۷۷- قاضی اجرای احکام می تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند.

قاضی مذکور به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار دارد.

۱- قاضی اجرای احکام می تواند تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم به دادگاه پیشنهاد کند.

۲- به نظر می رسد منظور از دادگاه صادر کننده رأی، دادگاه صادر کننده ی حکم قطعی می باشد.

۳- دادگاه در پذیرش پیشنهاد قاضی اجرای احکام، مختار است و تکلیفی بر عهده ندارد، اما به نظر می رسد راسا نمی تواند اقدامات مذکور در ماده را انجام دهد و نیاز به پیشنهاد قاضی اجرای احکام وجود دارد.

ماده ۷۸- محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد.

۱- محکوم در مورد این ماده تکلیف بر عهده دارد و مختار نیست.

۲- استفاده از عبارت ((نظیر)) نشان می دهد موارد مذکور در ماده به صورت تمثیلی است و موارد مشابه دیگر نیز مشمول ماده خواهد بود.

۳- محکوم باید تغییراتی را اطلاع دهد که مانع یا مخل اجرای حکم باشد.

۴- ضمانت اجرای این ماده، در ماده ۸۱ آمده است.

۵- به قید ((قاضی اجرای احکام)) توجه شود تغییرات به او باید اطلاع داده شود نه دادگاه.

ماده ۷۹- تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاهها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به موجب آیین نامه ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله وزارتخانه های کشور و دادگستری تهیه می شود و با تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می رسد. مقررات این فصل پس از تصویب آیین نامه موضوع این ماده لازم الاجراء می شود.

ماده ۸۰- چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یکبار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد.

۱- آنچه در متن ماده آمده است برای دادگاه تکلیف ایجاد نخواهد کرد و دادگاه **مخیر** در اعمال آن است، البته در صورتی که پیشنهاد آن از سوی قاضی اجرای احکام وجود داشته باشد. (ظاهراً راساً نمی تواند).

۲- دادگاه **تنها یک بار** از اختیار مندرج در ماده برخوردار است.

۳- به نظر می رسد قاضی اجرای احکام در خصوص پیشنهاد تخفیف **مختار** است و تکلیفی برعهده ندارد.

۴- با توجه به اینکه این ماده در فصل مجازات های جایگزین حبس آمده است، فقط در خصوص این مجازات ها قابل اعمال است، نه کلیه ی مجازات های مقرر در قانون.

ماده ۸۱- چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می گردد.

تبصره - دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را به طور صریح قید و به محکوم تفهیم می کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می نماید.

۱- ضمانت اجرای تخلف از مفاد حکم مجازات های جایگزین حبس یا دستورهای دادگاه یکی از موارد زیر است:

۱. برای بار اول **یک چهارم تا یک دوم** به مجازات مورد حکم (مجازات های که در حکم آمده نه مجازات قانونی جرم) اضافه می شود.
۲. در صورت تکرار مجازات **حبس** اجرا می شود.

۲- قاضی **مکلف** است ضمن حکم مجازات های جایگزین، آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را صریحا قید و به محکوم تفهیم کند.

۳- قاضی اجرای احکام در ضمن اجرای مجازات های جایگزین حبس، مکلف است **نحوه نظارت و مراقبت** بر محکوم را مشخص نماید. (با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط)

۴- افزوده شدن یک چهارم تا یک دوم و اجرای حبس نیازمند **پیشنهاد قاضی اجرای احکام** است و دادگاه **راسا نمی تواند** اقدام کند.

ماده ۸۲ - چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازاتهای جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجراء نشده آن بعد از رفع مانع اجراء می گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجراء می شود.

۱- اگر اجراء تمام یا بخشی از مجازات های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد دو حالت متصور است:

۱. مانع به واسطه ی رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد شده است: در این صورت مجازات اصلی اجرا خواهد شد.

۲. مانع بدون دخالت رفتار عمدی محکوم ایجاد شده است: مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده بعد از رفع مانع اجرا می گردد.

۲- در صورتی که رفتار عمدی محکوم باعث ایجاد مانع شود اما مقصود محکوم متوقف کردن مجازات نباشد مشمول ماده نیست.

۳- رفتار غیر عمدی می تواند شامل بیماری، حوادث غیر مترقبه و ... باشد.

ماده ۸۳- دوره مراقبت دوره های است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می گردد:

- الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه
- ب- در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال
- پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال
- ت- در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال

۱- ماده ی فوق به تعریف دوره ی مراقبت در ضمن مجازات های جایگزین حبس پرداخته است.

۲- در دوره ی مراقبت دادگاه می تواند محکوم را به **یک یا چند مورد** از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی محکوم کند و نمی تواند از محکوم بخواهد تمام دستورات را اجرا کند.

۳- به نظر می رسد منظور از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی، دستورهای مندرج در ماده ۴۳ ق م ا است.

۴- به نظر می رسد موارد بندهای الف تا ت در ماده های ۸۳ تا ۸۶ اهمیت سوالی نداشته باشد.

ماده ۸۴- خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم واقع می شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می گردد:

- الف- جرائم موضوع بند(الف)ماده(۸۳) تا دویست و هفتاد ساعت
- ب- جرائم موضوع بند(ب)ماده(۸۳)دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت
- پ- جرائم موضوع بند(پ)ماده(۸۳) پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت
- ت- جرائم موضوع بند(ت)ماده(۸۳) هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود.

تبصره ۲- حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان آور است.

تبصره ۳- دادگاه نمی تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین نامه موضوع

این فصل حکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می شود.

تبصره ۴- قاضی اجرای احکام می تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریتهای خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد.

۱- شرایط خدمت عمومی رایگان:

۱. با رضایت محکوم باشد.
۲. برای مدت معین باشد.
۳. قاضی اجرای احکام بر آن نظارت کند.
۴. ساعات ارائه ی خدمت در روز مانع امرار معاش متعارف محکوم نشود.
۵. در مورد هر خدمت باید همه ی ضوابط و مقررات قانونی آن رعایت شود.
۶. دادگاه نمی تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین نامه این فصل حکم دهد.

۲- خدمت عمومی رایگان مانند نظام نیمه آزادی و قرار دادن محکوم تحت سامانه های الکترونیکی به رضایت محکوم احتیاج دارد. در صورتی که محکوم به انجام خدمت عمومی رضایت نداشته باشد، دادگاه حکم به مجازات اصلی خواهد داد.

۳- موارد مندرج در تبصره ی ۲ جنبه ی حصری نداشته و تمثیلی اند.

۴- قاضی اجرای احکام برای تعلیق انجام خدمت عمومی بر اساس تبصره ی ۴ راسا می تواند اقدام کند، اما در مورد تبدیل آن به مجازات جایگزین دیگر راسا قادر به اقدام نیست و تنها می تواند پیشنهاد آن را به دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نماید.

۵- موارد مندرج در تبصره ی ۴، جنبه ی حصری نداشته و موارد مشابه را هم در بر میگیرد.

۶- بدیهی است دادگاه در پذیرش پیشنهاد قاضی اجرای احکام در خصوص تبدیل مختار است.

۷- به نظر می رسد منظور از دادگاه صادر کننده ی حکم در تبصره ی چهار دادگاه صادر کننده ی حکم قطعی است.

ماده ۸۵- جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می شود و با نظارت اجرای احکام وصول می گردد:

- الف- جرائم موضوع بند(الف) ماده(۸۳) تا یکصد و هشتاد روز
 - ب- جرائم موضوع بند(ب) ماده(۸۳) یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز
 - پ- جرائم موضوع بند(پ) ماده(۸۳) سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز
 - ت- جرائم موضوع بند(ت) ماده(۸۳) هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز
- تبصره- محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

- ۱- جزای نقدی روزانه از کار روزانه محکوم اخذ خواهد شد.
- ۲- موعده پرداخت جزای نقدی روزانه به صورت ماهانه است و محکوم علیه، ده روز زمان جهت پرداخت آن دارد.(به طور مثال جزای نقدی روزانه فروردین ماه تا دهم اردیبهشت ماه باید پرداخت شود).

ماده ۸۶- میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر است:

- الف- جرائم موضوع بند(الف) ماده(۸۳) تا نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰)ریال
- ب- جرائم موضوع بند(ب) ماده(۸۳) از نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰)ریال تا هجده میلیون (۱۸,۰۰۰,۰۰۰)ریال

پ- جرائم موضوع بند(پ) ماده(۸۳) از هجده میلیون(۱۸,۰۰۰,۰۰۰)ریال تا سی و شش میلیون(۳۶,۰۰۰,۰۰۰)ریال

ت- جرائم موضوع بند(ت) ماده(۸۳) از سی و شش میلیون(۳۶,۰۰۰,۰۰۰)ریال تا هفتاد و دو میلیون (۷۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ماده ۸۷- دادگاه می تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محكوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازاتهای تبعی و یا تکمیلی نیز محكوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود.

۱- با توجه به عبارت **((وضعیت محكوم))** ماده بیانگر اصل فردی کردن مجازات هاست.

۲- حکم ماده الزامی برای قاضی ایجاد نمی کند؛ بلکه قاضی **مخیر** است که با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محكوم، در کنار مجازات جایگزین حبس، حکم به مجازات تبعی یا تکمیلی نیز بدهد. گر چه در این حالت حداکثر آن مشخص شده **(دو سال)** اما حداقل معین نشده است.

۳- مجازات های تبعی و تکمیلی از ماده ۲۳ به بعد مورد تقنین واقع شده است.

۴- **یک یا چند** مورد از مجازات های تبعی یا تکمیلی قابل اتخاذ است، نه همه ی موارد.

فصل دهم _ مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و

نوجوانان

ماده ۸۸- درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری میشوند و سن آنها در زمان ارتكاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

- ۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
- ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی
- ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک
- ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه
- ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند(الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده(۱۱۷۳) قانون مدنی

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شدهاند، الزامی است.

تبصره ۲ - هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) محکوم می شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارشهای مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

۱- مشخصه اساسی مجازات **رنج و تعب** است و اغلب همین مشخصه باعث تفکیک آن از اقدامات تأمینی و تربیتی شده است.

۲- در مورد ارتکاب **جرایم تعزیری** کودکان و نوجوانان، چنانچه سن آنان **در زمان ارتکاب** ۹ تا ۱۵ سال خورشیدی باشد، تصمیمات جزایی اعم از مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی قانونا به طور **مساوی** مطرح است و از ۹ تا ۱۵ سال ارتکاب جرایم کودکان و نوجوانان قانونا مشمول تصمیماتی است که در ماهیت **اقدامات تأمینی در جهت پیشگیری و انطباق اجتماعی، فرهنگی کودکان و نوجوانان** هستند.

۳- تنها **یکی** از موارد بندهای الف تا ث حسب مورد قابل اعمال است. (قابل جمع نیستند).

۴- در خصوص تبصره ی ذیل بند الف، دادگاه **مختار** است و همچنین اقدامات ذکر شده جنبه ی **حصری نداشته** و تمثیلی اند.

۵- در خصوص بند ۴ تبصره ذیل بند الف تشخیص **دادگاه** ملاک است نه مددکار اجتماعی یا مقام های دیگر.

۶- در مورد بند ب تشخیص اینکه سپردن طفل یا نوجوان به این اشخاص به مصلحتش هست یا نه با **دادگاه صادر کننده ی حکم** است.

۷- جرایم تعزیری **درجه ی ۶ تا ۸** مشمول بند ث نمی باشد. (مشمول یکی از بندهای الف تا ث می باشند).

۸- اگرچه قسمت دوم تبصره ی ۱ به طور عام بند ث را در مورد اطفال و نوجوانانی که جرایم موجب تعزیر درجه ۱ تا ۵ مرتکب شده اند، الزامی می داند، اما به نظر می رسد این عام با توجه به قسمت اول تبصره که بیان می دارد بندهای ت و ث فقط در مورد اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال قابل اجراست با **تخصیص** مواجه شده است و در نتیجه ارتکاب جرایم تعزیری ۱ تا ۵ از سوی **اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۲** سال با اقدام موضوع بند **ث مواجه نخواهد بود**، این برداشت با جمله ی اخیر تبصره ی ۲ که ارتکاب جرایم مستوجب حد یا قصاص (که ماهیتا از تعزیر شدیدترند) **از سوی نابالغ ۹ تا ۱۲ سال** را مستوجب اقدامات مقرر در بندهای **الف تا پ** می داند تقویت می شود.

و برای نظر مخالف که ارتکاب جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵ را **صرف نظر از رده ی سنی** (یعنی ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی) با اقدام مذکور **در بند ث** مواجه می داند رجوع کنید قانون یار مجازات اسلامی صفحه ی ۸۹ پاسخ نامه ی سوال ۱.

۹- برابر ماده ی ۱۴۷ ق م ا سن بلوغ که سن مسوولیت کیفری تلقی می شود در دختران ۹ و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است. با این توضیح مشخص می شود تبصره ی دو ماده ۸۸ در خصوص **پسرهای نابالغ** می باشد.

۱۰- توجه شود که در مورد نابالغ ۱۲ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرم موجب حد یا قصاص یکی از اقدامات مقرر در بندهای **ت یا ث** قابل اعمال است، حال آنکه در مورد اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرایم موجب تعزیر ۱ تا ۵ **بند ث** قابل اعمال است.

۱۱- مطابق تبصره ی ۳ ماده، مقنن تنها برای تصمیمات **بند الف و ب**، محدودیتی از نظر دفعات تجدیدنظر قائل نشده است و آنرا مقید به مصلحت طفل کرده است.

ماده ۸۹- درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازاتهای زیر اجراء می شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه میتواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین میکند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

۱- شروط اعمال مجازات های ماده ی فوق عبارت است از:

- جرم ارتكابی مشمول عنوان **جرایم تعزیری** باشد. (به حکم مذکور در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی نیز توجه شود).

- سن مرتکب در زمان ارتكاب بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی باشد.

۲- در اینجا هم ملاک **مجازات قانونی** جرم است نه مجازات مقرر در حکم دادگاه.

۳- مطابق بندهای الف تا ث:

- نگهداری در کانون **تا تعزیر درجه پنج** می باشد.
- جزای نقدی در مورد جرایم مستوجب تعزیر **درجه پنج تا هشت** قابل اعمال است.
- خدمات عمومی رایگان در مورد جرایم مستوجب تعزیر **درجه پنج و شش** قابل اعمال است.

۴- مطابق تبصره ۲، و در راستای فردی کردن مجازات ها دادگاه می تواند حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال، حکم به یکی از موارد زیر بدهد:

- اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می کند.
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته.

ماده ۹۰- دادگاه می تواند با توجه به گزارشهای رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا

سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست.

۱- دادگاه تنها **یک مرتبه** می تواند در خصوص وضع طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت تجدیدنظر کند **راسا** چنین حقی دارد و نیاز به پیشنهاد قاضی اجرای احکام وجود ندارد. و این امر منوط است به اینکه طفل یا نوجوان **حداقل یک پنجم** از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد و البته تجدیدنظر محدود است به اینکه:

- مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را **تا یک سوم** کاهش دهد.
- یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را به تسلیم به ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان **تبدیل** کند.

۲- رأی دادگاه در خصوص اعمال این ماده **قطعی** است و دیگر متهم حق تجدیدنظرخواهی نخواهد یافت.

۳- استفاده از تخفیف مذکور در این ماده **قابل جمع** با آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی است.

۴- تجدیدنظر موضوع ماده ۹۰ در مورد **نگهداری در کانون** است و در مورد جزای نقدی و خدمات عمومی رایگان چنین حقی برای دادگاه وجود **ندارد**.

ماده ۹۱- در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازاتهای پیش بینی شده در این فصل محکوم می شوند.

تبصره- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

۱- مقنن در خصوص جرایم حدی یا مستوجب قصاص نیز خواسته است تخفیفی برای افراد بالغ کمتر از هجده سال قائل شود و مرتکب را به مجازات های این فصل محکوم کند؛ مشروط بر اینکه:

- مرتکب ماهیت جرم انجام شده را نداند. (این مورد داخل در شبهه ی موضوعیه است؛ مقصود از شبهه ی موضوعیه آن است که شخص حرمت و ممنوعیت عمل را می داند ولی جهل به موضوع حکم دارد. مثلاً می داند که شرب خمر در اسلام حرام است ولی نمی داند که مایع حاضر از مصادیق خمر است یا آب.)
- یا مرتکب حرمت جرم انجام شده را درک نکند. (مقصود همان شبهه ی حکمیه است؛ منظور از شبهه ی حکمیه آن است که حکم کلی چیزی مورد تردید قرار گیرد. جهل به حکم کلی، یا ناشی از فقدان نص معتبر یا ناشی از اجمال نص و یا ناشی از تعارض نصوص است.)
- یا در رشد و کمال عقل مرتکب شبهه وجود داشته باشد. (رشد در دو معنای توانایی حفظ مال و مصرف آن در راه درست به کار رفته است.)

۲- در تعیین مجازات های پیش بینی شده در این فصل سن نابالغ مرتکب جرم لحاظ می شود.

ماده ۹۲- در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حکم می کند.

۱- در جرایم مستوجب دیه یا هر ضمان مالی دیگر، تحت هر شرایطی (چه علم به حرمت وجود داشته باشد و چه وجود نداشته باشد و چه مرتکب رشید باشد و چه نباشد) اطفال و نوجوانان مسوول هستند.

ماده ۹۳- دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازاتها را تا نصف حداقل
تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل
نماید.

۱- ماده ۹۳ ق م ا مستند تخفیف مجازات در مورد اطفال است و در مورد اطفال ماده ۳۷ ق م
ا موضوعیت ندارد.

۲- با توجه به تبصره ی ۲ ماده ۱۱۵ ق م ا تخفیف موضوع ماده ۹۳ ق م ا در مورد تعزیرات
منصوص شرعی قابل اعمال نیست. به طریق اولی نمی توان این تخفیف را در مورد حدود و
قصاص قابل اعمال دانست.

و برای نظری که این تخفیف را شامل همه ی انواع مجازات های اطفال می داند رجوع کنید
نکته ۱ ماده ۹۳ قانون یار مجازات اسلامی صفحه ی ۹۳

۳- ماده ۳۸ ق م ا به احصاء جهات تخفیف پرداخته است.

۴- دادگاه در اعمال تخفیف موضوع ماده اختیار دارد نه تکلیف.

ماده ۹۴- دادگاه می تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان،
صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.

۱- در مورد اطفال نیز دادگاه می تواند صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را
معلق نماید. در این مورد دو تفاوت عمده با اشخاص بزرگسال وجود دارد:

- اولاً قانونگذار برای اعمال تعویق و تعلیق در مورد اطفال شرطی قایل نشده است.
- ثانیاً تمام جرایم تعزیری اطفال و نوجوانان قابل تعویق و تعلیق می باشد.

۲- این ماده نیز مطابق تبصره ی ۲ ماده ۱۱۵ شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی شود. و به
طریق اولی در مورد حدود و قصاص قابل اجرا نیست.

ماده ۹۵- محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

۱-طبق ماده **آثار تبعی** در رابطه با محکومیت اطفال و نوجوانان اعمال **نخواهد** شد.(موارد مذکور در ماده ۲۵ ق م ا)

۲-به نظر می رسد با توجه به عبارت عام به کار رفته(فاقد آثار کیفری است.) محکومیت های کیفری این افراد در پرونده ی کیفری درج نشده و **سابقه نیز محسوب نمی گردد.**

فصل یازدهم – سقوط مجازات

بر اساس قانون مجازات اسلامی موارد سقوط مجازات عبارتند از:

- عفو
- نسخ قانون
- گذشت شاکی
- مرور زمان
- توبه مجرم
- اعمال قاعده ی درا

مبحث اول – عفو

۱-عفو وسیله ای است برای **اسقاط دعوی** و یا **متوقف ساختن اجرای حکم.**

۲-اعطای عفو بر حسب **مرجع اعلام کننده** به عفو خصوصی یا خاص(ماده ۹۶ ق م ا) و عفو

عمومی یا عام(ماده ۹۷ ق م ا) قابل تقسیم است. عفو خصوصی به پیشنهاد **رییس قوه ی قضاییه** از طریق مقام **ولایت فقیه** و عفو عمومی از طریق **قوه ی مقننه** اعطا می شود.

۳-ضوابط عفو در انواع مجازات ها:

- تعزیرات: در مورد تعزیرات امکان **عفو عام و خاص** وجود دارد.

- حدود: مجازاتهای حدود فقط در موارد خاص (ماده ی ۱۱۴ ق م ا) و به شرط توبه، پس از آنکه جرم با اقرار متهم به اثبات رسید، ممکن است مشمول عفو قرار گیرد.

مطابق نظر دکتر گلدوزیان که البته قابل تأمل است این نوع عفو، ماهیتاً نوعی عفو خاص است.

- قصاص: مجازات قصاص به دلیل اینکه از حقوق الناس است، به طور کلی از شمول عفو مستثنی است.
- دیات: مجازات دیه به دلیل اینکه از حقوق الناس است، به طور کلی از شمول عفو مستثنی است.

ماده ۹۶- عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است.

۱- ماده در مقام بیان عفو خاص می باشد، و عفو خاص عبارتست از معاف کردن محکوم علیه از تحمل تمام یا قسمتی از مجازات مورد حکم قطعی و یا جایگزین ساختن مجازات قابل اجرا با مجازاتی خفیف تر.

۲- عفو خصوصی تأثیری در مجازات های تبعی و تکمیلی ندارد و آثار محکومیت باقی می ماند و در صورت ارتکاب جرم جدید، سابقه ی محکومیت مورد عفو، برای اجرای مقررات تکرار جرم در نظر گرفته می شود.

۳- عفو خاص ناظر بر احکام قطعی است، لذا احکام غیابی قابل واخواهی یا احکام قابل تجدیدنظر نمی تواند مشمول عفو خصوصی قرار گیرد (با این توضیح روشن می شود عفو خاص تنها در مورد محکومان قابل اجراست نه متهمان). در مقابل عفو عام است که رفتار مجرمانه پیش از تعقیب و پس از تعقیب را تا مرحله صدور حکم و اجرای آن شامل می شود.

۴- عفو خصوصی اثری بر ضمانت اجرای مدنی و انضباطی ندارد.

۵- پیشنهاد عفو از طرف اشخاص زیر پذیرفته می شود:

۱. قاضی مجری حکم (دادستان مجری حکم).

۲. رییس زندان محل گذران محکومیت با موافقت قاضی (دادیار) ناظر زندان یا رییس حوزه قضایی (دادستان) محل.

۳. محکوم علیه و خانواده وی.

۶- عفو شامل **انفصال از خدمت نمی شود** مگر در موارد مصرح در قانون.

۷- لغو حکم آزادی مشروط یا فسخ تعلیق اجرای حکم، مانع استفاده از عفو **نمی باشد**.

۸- نتیجه تصمیم به قبول یا رد عفو خصوصی **الزام آور** است و محکوم علیه امکان اعتراض ندارد.

ماده ۹۷- عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می شود.

۱- همانطور که گفته شد عفو عمومی تنها در خصوص **جرائم موجب تعزیر** اعمال می شود.

۲- عفو عمومی به موجب **قانون** است بنابراین به حکم قانون، دادرسی و یا اجرای حکم، موقوف و **آثار تبعی و تکمیلی حکم قطعی، زایل** و **آثار محکومیت جزایی منتفی** می شود.

۳- عفو عمومی، آثار محکومیت جزایی را منتفی می کند و سابقه ی محکومیت مورد عفو، دیگر برای **تکرار جرم** به حساب نمی آید و مانع **تعلیق اجرای مجازات** احتمالی نمی شود و از سجل کیفری حذف می گردد.

۴- قانون عفو عمومی شامل جرائم ارتكابی **پیش از تصویب** قانون می شود و جرائم احتمالی آینده را شامل نمی شود.

۵- قانون عفو عمومی، گاهی **ساده** و بدون قید و شرط است اما در مواردی هم شمول آن به **مشروط** به انجام امری است.

۶-تاثیر قانون عفو عمومی نسبت به امور جزایی قبلی، **تام و کامل نیست** زیرا چنین قانونی موجب استرداد جزای نقدی و هزینه دادرسی پرداختی توسط محکوم علیه نمی شود.

۷-عفو عمومی تنها شامل **مجازات** است و شامل اقدامات تأمینی نمی شود.

ماده ۹۸- عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد.

۱-حکم این ماده **عام** است و عفو عمومی و خصوصی را در بر می گیرد.

۲-حکم ماده از این باب است که عفو ناظر به **جنبه ی عمومی جرم** می باشد؛ بنابراین تأثیری در حقوق شاکی خصوصی نخواهد داشت.

مبحث دوم - نسخ قانون

ماده ۹۹- نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می کند. آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مندرج در ماده(۱۰) این قانون است.

۱- با نسخ قانون اگر متهم در مرحله ی تحقیقات مقدماتی باشد **قرار موقوفی تعقیب** صادر خواهد شد و اگر مجازات در حال اجرا باشد، دادگاه حکم به **توقف اجرای مجازات** خواهد داد.

۲-نسخ قانون بر دو نوع **صریح** و **ضمنی** است.

۳-در خصوص آثار نسخ قوانین کیفری باید به مقررہ ی **بند الف ماده ۱۰ ق م ا** توجه نمود که مقرر می دارد: اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچگونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

۴- در صورت نسخ قانون جزا به دلیل اینکه به نظر قانونگذار عمل دیگر جرم محسوب نمی شود، تمامی آثار مجازات از جمله آثار تبعی مجازات از بین می رود و محکومیت از پرونده کیفری شخص پاک می شود.

مبحث سوم - گذشت شاکی

ماده ۱۰۰- در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است.

تبصره ۱- جرائم قابل گذشت، جرائمی میباشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.

تبصره ۲- جرائم غیر قابل گذشت، جرائمی میباشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.

تبصره ۳- مقررات راجع به گذشت، شاکی در مورد مجازاتهای قصاص نفس و عضو، حدقذف و حدسرقت همان است که در کتاب دوم «حدود» و سوم «قصاص» این قانون ذکر شده است. گذشت شاکی در سایر حدود تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد.

۱- در جرایم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است در حالی که در ماده ۷۲۷ (منسوخ) قانون پیشین گذشت شاکی موجب تخیر قاضی در اعمال تخفیف یا موقوفی تعقیب می شد.

۲- در رابطه با حدود اصل بر آن است که گذشت شاکی تأثیری در مجازات ندارد؛ با این حال در برخی جرایم حدی که واجد جنبه ی خصوصی بیشتری است (همانند قذف) گذشت شاکی در مجازات مرتکب، موثر است.

۳- در قصاص و دیات به دلیل حق الناس بودنشان گذشت شاکی باعث **سقوط جنبه ی خصوصی مجازات** می شود اما **جنبه ی عمومی مجازات** جرایم مستوجب قصاص و دیه پابرجا خواهد بود؛ به طور مثال برای قتل عمد به ماده ۶۱۲ ق م ا کتاب تعزیرات و مجازات های بازدارنده توجه فرمایید.

۴- با استفاده از این ماده می توان گفت که گذشت ممکن است پیش از صدور حکم و در دادسرا یا در هنگام رسیدگی و یا حتی پس از صدور حکم و در هنگام اجرای آن باشد.

ماده ۱۰۱- گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست.

تبصره ۱- گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. در این صورت، محکوم علیه با قرار تأمین مناسب آزاد می شود.

تبصره ۲- تأثیر گذشت قیم اتفاقی، منوط به تأیید دادستان است.

۱- در ق م ا ۱۳۷۰ گذشت مشروط و معلق، به کلی **فاقد اثر** بود اما در ق م ا ۱۳۹۲ اگر شرط **محقق شود** یا معلق علیه در عالم خارج **انجام گردد**، گذشت واجد اثر می شود.

۲- **اجرای مجازات** در جرایم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است.

۳- عدول از گذشت، **مسموع نیست**. (رجوع کنید ماده ۳۶۴ ق م ا) همچنین با رعایت شرایط قانونی تفاوتی بین گذشت در مرجع قضایی و انتظامی نیست و گذشت در **مرجع انتظامی** نیز غیر قابل عدول است.

۴-گذشت پیش از وقوع جرم **موثر نیست**؛ زیرا افراد حق ندارند با تراضی بین خود مقررات قانونی را نقض نموده و مانع اعتبار و اجرای آن شوند. البته در خصوص رضایت مقتول بر قتل خود ضوابطی وجود دارد که در جای خود بررسی خواهیم نمود.

۵-**گذشت منجز** آن است که حصول آن موقوف به تحقق امر دیگری نباشد. همچنین گذشت باید **صریح و روشن** باشد و به گذشت مبهم و غیر صریح اثری داده نمی شود.

۶-اگر بعد از اینکه شاکی گذشت خود را اعلام کرد، یک سری آثاری بر اثر جرم ظاهر شود **که اساساً نوع جرم را تغییر دهد** شاکی می تواند شکایت کند و مرجع قضایی مکلف به رسیدگی است مگر اینکه گذشت شاکی **این آثار** را هم شامل گردد یا آثار ایجاد شده در اثر فعلی از **جانب بزه دیده** باشد. با این وجود در عمل محاکم، تمایلی به پذیرش این نظریه **نشان نمی دهند** و این امر را **عدول** از گذشت تلقی و آن را رد می کنند.

ماده ۱۰۲- هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند.

تبصره- حق گذشت، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می گردد.

۱-مقنن در این ماده **گذشت انحلالی** را در مقابل **گذشت مجموعی** پذیرفته است. همین حکم در خصوص **وراث قانونی** هم اعمال خواهد شد.

ماده ۱۰۳- چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.

۱- نظر به اینکه کلیه ی جرایم واجد جنبه ی عمومی هستند، قانونگذار بر همین اساس **اصل** را بر غیرقابل گذشت بودن جرایم گذاشته است.

۲- حکم صدر ماده توسط قسمت اخیر ماده با **استثنا** مواجه شده است به این ترتیب که در صورتی که در قانون به قابل گذشت بودن جرمی تصریح نشده باشد ولی آن جرم از جمله جرایم **حق الناسی** باشد که **از نظر شرع قابل گذشت است**، جرم مذکور قابل گذشت محسوب می شود، هر چند قانونگذار در قانون تصریح به قابل گذشت بودن آن جرم نکرده باشد.

ماده ۱۰۴- علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدقذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرائم مندرج در قسمت اخیر مواد (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب می شوند.

۱- در عین حال که در ماده ۱۰۰ ق م ا، جرایم قابل گذشت تعریف شده است، در ماده ی فوق نیز مقنن در صدد احصا برآمده است. بنابراین هر دو روش **احصایی و تعیین معیار** در خصوص شناسایی جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت در کنار هم پذیرفته شده است.

۲- بر خلاف ق م ا ۱۳۷۰ جرایم مندرج در فصل **تخریب اموال تاریخی، فرهنگی** (مواد ۵۵۸ تا ۵۶۶ ق م ا کتاب تعزیرات و مجازات های بازدارنده) **غیر قابل گذشت** می باشند.

۳- جرایم تعزیری **مندرج در کتاب دیات** و جرایم تعزیری **مندرج در فصل حد قذف** قابل گذشت می باشند.

۴- جرایم قابل گذشت کتاب تعزیرات و مجازات های بازدارنده **۲۲ مورد** است که توصیه می شود از **عناوین کلی** این ۲۲ مورد آگاهی داشته باشید.

و من الله توفیق